

علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی

علی احمدزاده^{۱*}، آذر احمدزاده^۲

چکیده

علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی که در اروپا به نام لاتین او Haly "Ali Abbas یا Abbas" شناخته شده است به سال ۳۱۸ هجری قمری در اهواز یا ارجان (بهبهان) دیده به جهان گشوده است. مجوسی بیش از همه به خاطر کتابش "کامل الصناعه الطیبیه (الملکی)" که به لاتین "Liber Regius" موسوم است، شهرت دارد. او این کتاب را نه تنها بر پایه دانسته های دیگران (پیشینیان) نوشته بلکه تجارب و مشاهدات خویش را نیز در آن لحاظ کرده است. او این کتاب را به امر عضدالدوله دیلمی (متوفی ۳۷۲ هجری قمری) اهدا کرده است. مجوسی پزشک دربار بود و در بیمارستان عضدی بغداد نیز طبابت می کرد. کتاب ملکی مشتمل بر بیست مقاله است، او در ده مقاله نخست به دانش نظری پزشکی و در ده مقاله دوم به دانش عملی پزشکی نظیر اعمال جراحی پرداخته است. مجوسی در این کتاب به نکات اخلاق پزشکی (پندنامه پزشکی) ارزشمندی نیز پرداخته است. از این رو، این اثر بزرگ بعد از برگردان از عربی به لاتین به مدت چند قرن به طور گسترده نه تنها در ایران و کشورهای عربی بلکه در نواحی متعددی از اروپا کتاب درسی پزشکی بوده است. او به سال ۳۸۴ هجری قمری در بغداد یا شیراز دیده از جهان فرو بست.

م ع پ ۱۳۹۰؛ ۱۰(۲): ۱۲۹-۱۲۱

کلید واژگان: طب اسلامی، اهوازی، الملکی، ایران، ارجان.

۱- استاد گروه کودکان و نوزادان.

۲- استادیار گروه زنان و مامائی.

۱- گروه کودکان و نوزادان، دانشکده پزشکی، دانشگاه

علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، ایران.

۲- گروه زنان و مامائی، دانشکده پزشکی، دانشگاه

علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، ایران.

* نویسنده مسوول:

گروه کودکان و نوزادان، بیمارستان گلستان، بلوار

گلستان، اهواز، ایران.

تلفن ۰۹۱۶۱۱۲۸۴۱

Email: ahmadzadali@yahoo.com

اعلام قبولی: ۱۳۸۹/۱۲/۱۰

دریافت مقاله اصلاح شده: ۱۳۸۹/۱۲/۲

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۲۴

مقدمه

زیر می خوانند(۴): - Ali-Abbas, Ali-ibne Abbas
al-Majusi, Hally Abbas

از اهوازی ارجانی بر خلاف محمد زکریای رازی و مخصوصاً ابن سینا و گرگانی شرح حال مفصل و مشروح در تراجم احوال دیده نمی شود، بلکه فقط چند سطری درباره وی در کتب تاریخ طب و اطباء و بعضی تذکره ها آمده است و اصولاً همان چند سطر که از مورخ اولی در شرح حال وی آمده عیناً دیگران آن را نقل کرده و اضافه یا اضافاتی بدان ننموده اند، بلکه آنچه که از مورخان و مفسران آمده درباره تالیف وی کتاب "ملکی" است. تاریخ تولد وی ۳۱۸ یا ۳۳۸ هجری قمری معادل ۹۳۹ یا ۹۹۴ میلادی و مولدش اهواز و یا ارجان (بهبهان) بوده و بدین مناسبت به اهوازی ارجانی معروف است(۵،۲). براساس گزارش پروفیسور جلال نریمانی در کنگره آکادمی طب در پاریس (به سال ۱۹۹۲)، نیز ایشان از اهالی ارجان بوده است. زیرا براساس مستندات تاریخی در این ایام، ارگان(یا ارجان) شهری به غایت آباد بوده به گونه ای که امکان تحصیل در آن فراهم بوده است. علی عمادالدوله دیلمی به سال ۳۲۱ هجری قمری شهر ارجان را فتح نموده و مدتی محل اقامت و پایتخت خود قرار داده و به نام خویش در آنجا سکه ضرب کرده است. مقدسی نقل می کند که به دلیل وفور نعمت در ارجان عضدوالدوله دیلمی مکرراً گفته است که ارجان را برای خراجش و بغداد را برای نامش می خواهم(۶). نویسنده کتاب "ارجان و بهبهان" نیز از قلعه جص به عنوان دانشگاه ارجان یاد می کند که در ارتفاعات شمالی ارجان در کنار رود خانه طاب و نزدیک به جاده ارجان- اصفهان قرار داشته است و چون از گچ و سنگ بوده جغرافیا نویسان دوره اسلام نام آن را قلعه الجص(گچ) نوشته اند (۷). مجوسی اهوازی چون پدر و نیایش زرتشتی بود از این رو او و خاندانش را «مجوسی» می نامیدند(۱، ۹۸). در آن دوره بسیاری از غیر مسلمانان و از جمله زرتشتیان، نام

بر هر پزشک ایرانی واجب است که نام استادان و بزرگان علم طب را شناخته و از زندگانی و تالیف این مفاخر جهان آگاه بوده و برای ادا کردن حق آنان هر قدر تواند در زنده کردن نام و ذکر زحمات و اعمالی که در این راه کشیده اند قدمی بردارد. دوران یک صد و بیست ساله آل بویه را باید دوران تجدید حیات و تکامل دانش پزشکی ایران دانست. زیرا پادشاهان آل بویه و وزیران دانای آنان در تشویق دانشمندان و جمع آوری آثار طبی کوشیده اند و در همان عصر بود که سه پزشک نام آور ایران و "طب اسلامی" یعنی محمد زکریای رازی، علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی و ابوعلی سینا شکوفا گردیده و به شهرت جهانی نایل شدند. در میان امیران آل بویه، پناه خسرو عضدالدوله دیلمی پادشاه صاحب نام این خاندان در تشویق علی ابن عباس به نگارش کتاب ارشمندهش جایگاه ویژه ای دارد(۱).

علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی طبیب فاضل ایرانی از جمله پزشکان اسلامی است که خدمات شایسته ای به طب اسلامی و طب جهان کرده است. وی با چهار طبیب بزرگ ایرانی دیگر ارکان طب اسلامی را تشکیل می دهند که آنان عبارت بودند از: علی بن ربن طبری صاحب کتاب "فردوس الحکمه" (قرن سوم)، محمد زکریای رازی صاحب کتاب "حاوی" (قرن سوم و چهارم)، ابوعلی سینا صاحب کتاب "قانون" (قرن چهارم و پنجم) و سید اسماعیل گرگانی(جرجانی) صاحب کتاب "ذخیره خوارزمشاهی" به فارسی (قرن پنجم و ششم) (۲،۳).

نسب، محل تولد و تحصیل اهوازی ارجانی:

نامش علی، نام پدرش عباس، کنیه اش ابوالحسن که عموماً در کتب تاریخی به نام علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی آمده است. اما، اروپاییان وی را به نام های

یکی از ارکان مهم علم طب قدیم به شمار می رفته است. این کتاب در طی قرون متمادی مورد استفاده فراگیران دانش پزشکی بوده است. عموم مورخین و تذکره نویسان خاور درباره این کتاب معتقد بودند که از کتب طبی درجه اول می باشد و مطالعه آنرا برای پزشکان نه تنها لازم بلکه واجب می دانستند. مورخین مغرب زمین که پژوهش کامل در تالیف وی نموده اند وی را طبیعی متبحر و پزشکی بزرگ می دانند (۱۲). علاوه بر برگردان لاتین این کتاب که به سال ۱۴۹۲ میلادی در ایتالیا و به سال ۱۵۳۲ میلادی در لیون فرانسه (۱۳) صورت گرفته است، به ترکی نیز ترجمه شده است. هم چنین در سال های ۱۲۸۳ هجری قمری در لاهور و ۱۲۹۴ هجری قمری در قاهره (در دو جلد و چاپ عالی) منتشر شده است. ترجمه قسمت آناتومی این کتاب به همراه فراز هایی از تشریح کتاب منصوری رازی و قانون ابوعلی سینا به سال ۱۹۰۳ توسط پ. دوکونینگ (P. de Koning) در شهر لیدن هلند به فرانسه تحت عنوان: "سه رساله تشریح عرب یا Trois Traites d, Anatomie Arabes" منتشر شده است (۹). لوسین لکلر (Lucien Leclerc) نویسنده معروف تاریخ طب (چاپ پاریس ۸۷۶ میلادی) که تعدادی از کتب طبی قدیمی را مورد مطالعه قرار داده چنین معتقد است که "مؤلف کتاب ملکی با جرات توانسته است آنچه را که یونانی ها نتوانسته اند کشف کنند، بدست آورد و دنباله کار آنان را تعقیب و در کتاب خود جمیع دانسته های پزشکی را جمع آوری کند. وی معتقد است کتاب ملکی با حاوی رازی قابل مقایسه نیست چرا که حاوی رازی ملخصی از جمیع معلومات قدیم و جدید مربوط به علم طب تا آن زمان را شامل می شود، در صورتی که طب در کتاب ملکی به شیوه ویژه و جامع بیان شده است، به این معنی که تمام قسمت های این کتاب منظم و جمیع معلومات و گفته هایی را که از سایرین اقتباس نموده بطور کامل نقد نموده است. چارلز گرین کمستون (Charles

های عربی - اسلامی نیز بر خود و فرزندانشان می نهادند. به هر حال گرچه اوایل زندگی این دانشمند و پزشک بزرگ تاریک است ولی با توجه به شواهد فوق احتمالاً او تحصیلات خود را در زادگاهش ارجان و در نزد هم کیشان خود آموخته و سپس برای تکمیل آن به شیراز رفته است و در آنجا به مقام استادی رسیده است. به نوشته «قفطی» در «تاریخ الحکما»، مجوسی اهوازی پزشکی را نزد ابو موسی بن یوسف بن سیار شیرازی یا «ابوماهر پارسی» پزشک نامور آن دوران در شیراز فرا گرفته و در آثار خود از او به نیکی یاد کرده است (۹). او پس از فراگیری دانش پزشکی به عنوان پزشک فرزانه و برجسته آل بویه شناخته شد به طوری که همواره به عنوان پزشک همراه امیر عضدالدوله دیلمی (متوفی به سال ۳۷۲ هجری قمری در بغداد) بود. این پادشاه فرمانروایی بزرگ، روشن بین و دانش پروری از آل بویه بود که دستور بنای بیمارستان عضدی را در بغداد و شیراز داد (۹، ۱۰).

اثر مجوسی (کتاب ملکی) و ترجمه های آن تالیف بزرگ اهوازی کتاب "کامل الصناعه الطیبه الملکی" یا کتاب "ملکی" به زبان عربی (شکل ۱) است. اهوازی ارجانی این کتاب را به نام ملک عضدالدوله دیلمی نگاشته و ملکی نامیده است (۳-۵، ۱). این کتاب به نام «کناش عضدی» یا «کناش ملکی» نیز در کتب آمده است که مراد از کناش به معنی مجموعه یادداشت های پزشکی است (۱۱). برای شناسایی مقام اهوازی در طب دو نکته بسیار اساسی و مهم بنظر می رسد: اول تشریح کتاب ملکی، دوم موضوعات معتبره و ماخوذه از کتاب تالیفی طب و مقایسه آن با طب امروزی است (۲). آنچه که مشهور است اهوازی را یک تألیف به نام ملکی است ولی می گویند تألیف دیگری به نام "حفظ الصحه" نیز داشته است (۲). ملکی که در اروپا آن را به اسامی زیر نیز می خوانند:

Almaleki, Liber Regius, Liber totius
medicinae, Le Livre Royal et l'art Medical

های عفونی (آبله، جذام)، تب های مربوط به ورم ها و جراحات، گزش حیوانات.

- مقاله نهم (در ۴۱ باب): نشانه شناسی (سیمپولوژی) یک یک بیماری ها از سرتا پا و تک تک اعضا.
- مقاله دهم (در ۱۲ باب): سیر بیماری ها، پیش آگهی و تشریح شواهد پرونوستیک آنان و شرح علایم مشرف به مرگ در بیمار.
- مقاله یازدهم (در ۳۱ باب): یک دوره کامل بهداشت.

• مقاله دوازدهم (در ۶۵ باب): یک دوره ی کامل تراپیوتیک با داروهای گیاهی (تخم، برگ، گل و ریشه)، معدنی و حیوانی، همراه با شرح خواص و تأثیر آن ها بر قسمت های بدن مانند کلیه، سینه، قلب و غیره.

• مقاله سیزدهم (در ۳۴ باب): درمان بیماری های میکروبی و غیر میکروبی (گرما زدگی، مسمومیت غذایی)، تب نوبه، تب های عصبی و تب های ناشی از تومور ها، غدد لنفاوی و خنازیر.

• مقاله چهاردهم (در ۵۳ باب): درماتولوژی شامل بیماری های بثوری (سرخک، آبله، جذام)، جوش های بدن، زگیل، جرب، شپش، کچلی، جسم خارجی و گزش مار، عقرب، زنبور و غیره و درمان آنان.

• مقاله پانزدهم (در ۸۲ باب): بیماری های سلسله اعصاب و نخاع، اقسام سردرد، بیماری های حواس پنجگانه و بیماری های روان (نوروزها).

• مقاله شانزدهم (در ۱۸ باب): بیماری های مجاری تنفسی: گلو و خارج کردن زالو از حلق، دهان، حنجره و نای و ریه ها (پنومونی، آبسه ریه، سل)، پرده جنب و بیماری های قلب و گردش خون.

• مقاله هفدهم (در ۵۱ باب): بیماری های مری، معده، کبد (منجمله یرقان)، طحال، اسهال، آسیت، سکسکه، بواسیر، شقاق مقعد و همچنین بیماری های کلیه (منجمله خون شاشی) و مثانه و دیابت.

(Greene Cumston) در کتاب تاریخ طب خود چنین می نویسد: "علی بن عباس مجوسی که در قرن دهم میلادی می زیسته، صاحب تالیفی به نام "ملکی" است.... کتاب طب "ملکی" با قانون بوعلی سینا یک مقصود را بیان می کنند و هر دو تا اوائل قرن هیجدهم میلادی در مدارس طبی اروپا تدریس می شده اند (۵،۲). کتاب ملکی، از لحاظ تنظیم و طبقه بندی مطالب شبیه کتاب های امروزی است. بعدها ابن سینا، این روش منطقی تنظیم، تبویب (باب باب کردن)، طبقه بندی مطالب و فهرست بندی را در تألیف قانون دنبال کرد. این کتاب در دو جلد تنظیم شده که جلد اول ۴۳۴ صفحه (به قطع وزیری بزرگ) و جلد دوم آن ۶۰۷ صفحه است (۵،۲). به منظور کوتاه کردن مطلب و تنها برای آشنایی اجمالی با مطالب کتاب الملکی فقط به ذکر عناوین بیست مقاله کتاب بسنده می شود:

• مقاله اول (در ۲۵ باب): مقدمه، پندنامه، تقسیمات و کلیات طب.

• مقاله دوم (در ۱۶ باب): تشریح اعضاء منجمله استخوان شناسی.

• مقاله سوم (در ۲۷ باب) در تشریح اعضاء سیستم حرکتی، نخاع و چشم گوش، بینی، گردش خون، دستگاه تنفس و دستگاه تناسلی مردانه و زنانه و فیزیولوژی آنان.

• مقاله چهارم (در ۲۰ باب): نیروها و قوای نفسانی و حیوانی.

• مقاله پنجم (در ۳۸ باب): در هوا، ورزش، اغذیه، نوشیدنی ها، خواب و بیداری.

• مقاله ششم (در ۳۸ باب): انواع بیماری ها و علل آن ها.

• مقاله هفتم (در ۱۸ باب): در خصوص تقسیم بندی بیماری ها و علایم آنان، نبض و تغییرات آن، تغییرات ادرار، آب دهان و عرق.

• مقاله هشتم (در ۱۲ باب): تب و انواع آن، تب-

معالجه آنان چه با غذا و چه با دارو بکوشد، و منظورش از درمان استفاده و پول پرستی نباشد، و بیشتر اجر و ثواب را مد نظر داشته باشد. هیچ گاه داروی خطرناک به بیمار ندهد و وصف آن را نیز به بیمار نکند، و مریض را چنین داروها، نه دلالت کند و نه از آن سخن راند. از تجویز داروهای سقط کننده جنین پرهیز کند و آن ها را به احدی معرفی نکند.

● پزشک باید پاک، با کیش، خدایپرست و نیکو روش باشد و از هر ناپاکی و پلیدی و گناه دوری جوید.

● طبیب باید راز بیماران را محفوظ دارد و از افشای سرّ آن ها به خودی و بیگانه و نزدیکان و دوران، دوری جوید. چرا که بسیاری از بیماران، بیماری خود را از پدر و مادر و کسان خود مستور و مکتوم می دارند، ولی آن را به طبیب می گویند پس طبیب باید از خود بیمار در کتمان بیماری بیشتر دقت کند.

● بر پزشک است که در جمیع احوال، آن چه بقراط حکیم فرموده رفتار نماید و رحیم و پاک چشم و مهربان و خیررسان و خوشزبان باشد و در درمان بیماران به خصوص مسکینان و فقرا به جد بکوشد.

● برای پزشک شایسته نیست به خوشگذرانی و تنعم و لهو و لعب مشغول گردد. باید از زیادی شرب پرهیزد، چرا که به دماغ ضرر رساند و ذهن را فاسد کند.

● باید پیوسته به مطالعه کتب طبی و خواندن آن ها مشغول باشد و ملول نگردد بلکه، خود را مجبور نماید که هر چه می خواند، یاد گیرد.

● باید مطالب را در جوانی آموخت به دلیل آن که نگاهداری و حفظ آن ها در این اوان از موقع پیری، که آدمی در فراموشی است، آسان تر است.

● دانشجویان پزشکی باید، پیوسته در بیمارستان ها و محل بیماران در خدمت استادان دانشمند و پزشکان حاذق، به کارهای بیماران و احوال آن ها بپردازند، تا در مصاحبت و خدمت این استادان و پزشکان زبردست از

● مقاله هجدهم (در ۳۵ باب): بیماری های دستگاه تناسلی مردانه (منجمله کم شهوتی و پرشهوتی) و غلاف های آن و دستگاه تولید مثل زنانه (بیماری های رحم، سقط، ماندن جفت، نازایی)، بیماری های پستان. در این باب نیز اندرز هایی برای پزشکان به هنگام مشاوره دارد.

● مقاله نوزدهم (در ۱۱۰ باب): شامل یک دوره کامل جراحی تا زمان اهوای است. این مقاله مورد توجه شایان اروپایی ها قرار گرفته و کمال دقت و وسعت مطالعه این پزشک عالی مقام ایرانی را می رساند. بسیاری از مطالب آن با آنچه امروز انجام می شود تفاوت چندانی ندارد.

● مقاله بیستم یک دوره آموزش داروسازی و داروشناسی مخصوصاً نسخه پیچی است. زیرا پزشکان قدیم علاوه بر آنکه به طبابت مشغول بودند خودشان نیز در مطب یا در جوار آن داروخانه داشتند و علاوه بر آن که کار دارو و نسخه ها را سرپرستی می کردند گاه شخصاً به این کارها نیز می پرداختند (۵،۲).

پند نامه پزشکی اهوای ارجانی

این پند نامه در باب دوم مقاله نخست کتاب الملکی آمده است (۱) که به خاطر کاستن از حجم، پاره ای از آن حذف شده ولی نکات برجسته آن آمده است:

● هر که بخواهد پزشک عالمی گردد باید از پندهای بقراط حکیم که در زمان خود برای پزشکان گفته، پیروی کند.

● نخستین موعظت آن است که ستایش پروردگار و فرمانبرداری خداوند عزوجل را به جای آرید و پس از آن استادان خود را بزرگ دارید و در خدمت و سپاسگزاری و گرامی داشتن آنان همت گمارید. هم چنان که در حق پدر و مادر خود احترام و نیکی می کنید و آنان را در دارایی خود شریک می دانید، باید در حق استادان نیز چنان کنید.

● پزشک باید در درمان بیماران حسن تدبیر و

نیازمندان و بی چیزان معطوف داشته و بر ضرورت معاینه مکرر بیماران حاد تأکید ورزیده است.

• پاک، با کیش، خداپرست، خوشزبان و نیکو روش بودن و دوری جستن از هر ناپاکی و پلیدی را برای پزشک مبنی می دانسته است. برخی بر این باورند که اهوازی این اصول را از آموزه های دین زرتشت به سوگندنامه اضافه کرده است.

این پند نامه به سال ۱۳۲۰ خورشیدی توسط آقای دکتر محمود نجم آبادی ترجمه شده است (۱). اخیراً برگردان تمامی کتاب الملکی نیز بعد از گذشت هزار سال به سفارش "موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل" توسط محققین موسسه احیاء طب طبیعی در قم از روی نسخه چاپی آن در مصر، صورت گرفته که در دسترس عموم است (شکل ۲).

معاصران اهوازی ارجانی در بیمارستان عضدی

چنان که می دانیم بیمارستان عضدی به سال ۳۷۲ هجری قمری به امر عضدالدوله دیلمی در طرف غربی بغداد تأسیس یافت که در آن عده ای از اطباء مانند ابوالحسن علی بن ابراهیم بن بکس و ابوالحسن بن کشرکرایا معروف به تلمیذستان و ابویعقوب الاهوازی و ابوعلی بقیه و نظیف القس رومی و بنوحسنون و از چشم پزشکان ابوالنصر الدحنی (الدحلی) و از جراحان ابوالخیر و ابوالحسن بن تفاح و عده دیگری از اطباء به خدمت اشتغال داشتند. اهوازی با تمام این پزشکان معاصر بود (۲).

درگذشت اهوازی ارجانی

درگذشت اهوازی ارجانی به سال ۳۸۴ هجری قمری مطابق با سال ۹۹۴ میلادی اتفاق افتاد ولی معلوم نیست در بغداد یا شیراز فوت کرده و در کدام یک از این دو شهر به خاک سپرده شده است (۲، ۴).

عوارض و احوال بیماران آن چه خوانده اند تمرین کنند و از نیکی و بدی فرجام بیماری ها آگاه شوند. اگر چنین کنند در این صنعت به مقامی بلند می رسند.

• بنابراین اگر کسی بخواهد طبیعی حاذق و فاضل باشد باید بدین دستورها رفتار کند و این پندها را در گوش داشته به صفات و اخلاقی که ذکر شد خوی گیرد و در عمل کردن بدان ها سستی نوزد و کوچک نشمارد؛ اگر بدین رویه رفتار نمود، درمانش در بیماران مؤثر خواهد گشت و مردم بدو اعتماد نموده و بدو خواهند گروید و او نیز به دوستی و ذکر خیر آنان نائل شده و از قبل مردم منتفع خواهد شد. خداوند متعال از همه داناتر است.

با مقایسه سوگندنامه بقراط و پندنامه اهوازی تفاوت هایی ملاحظه می شود. اهوازی ارجانی با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و فرهنگی زمان خود با ذوق و سلیقه خویش و با احترام به دستورهای دین اسلام، مواردی را به سوگندنامه بقراط افزوده و در برخی موارد نیز نکاتی را از آن حذف کرده است. مواردی را که او به سوگندنامه افزوده مشتمل است بر:

• ضرورت آموزش بیمارستانی دانشجویان پزشکی در جوار استادان خود. به عبارت دیگر اهوازی ارجانی به اهمیت آموزش بالینی آگاه شده و بالا رفتن مهارت پزشک را منوط به کار مداوم عملی و بالینی در بیمارستان می دانسته است. یادآوری می شود در عهد بقراط آموزش بیمارستانی وجود نداشته ولی پیش از اهوازی ارجانی در بیمارستان گندی شاپور در عهد ساسانی چنین آموزشی دایر بوده است (۳).

• برآموزش مداوم پزشکان واقف بوده وبر آن تاکید ورزیده است.

• پزشکان را از عیش و نوش منع کرده و نوشیدن شراب را برای سلامتی فکر مضر دانسته است.

• در درمان بیماران توجه پزشکان را به درمان



شکل ۱: متن عربی و دست نویس کتاب "کامل الصناعه الطيبه" تالیف علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی

کامل الصناعه الطيبه

تأليف

عبد بن عباس الاهوازی

بدرالاول

تحقیق

مؤسسه اهدیاء طب طبیعی

بمناشر

مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلام و حکمت

شکل ۲: ترجمه فارسی جلد کتاب کامل الصناعه الطيبه

منابع

- 1-Najmabadi M. Medical Testament Ali ibn Abbas al-Majusi Ahvazi. Tehran:Tehran University Publications; 1955; p.1-9 (in Persian).
- 2-Najmabadi M. History of Medicine of Iran.Tehran:Tehran University Publications, 1987; p. 193-4 (in Persian).
- 3-Ahmadzadeh A. The History of Jundishapur University. Scientific Medical Journal AJUMS 2008;7(1):1-11.
- 4-Nasr SH. Science and Civilization in Islam. 2nd ed. Cambridge, UK: the Islamic Texts Society,1987; p.188.
- 5-Sarmadi MT. A Rearch on The History of World Medicine and Treatment up to the Present Era, 2nd ed , Sarmadi Publications,Tehran, 2002; p.255-62. (In Persian).
- 6-Masder MH. Arjan and Behbahan on the History. Behbahan:Tofigh Publications 1997; p.41 -5. (in Persian).
- 7-Jokar-Ghanevati R. Khuzestan Peotry and Literature,Voll:Arjan and Behbahan. Ahvaz: Ayaat Cultural Institute publications, 1994; p.19-20.
- 8-Elgood C. A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate from the Earliest Times to the Year A.D. 1932. Amsterdam:APA(Academic Publishers Associated),1979. Persian Transeletion: Forghani B. 2nd ed, Tehran:Amirkabir Publications, 1993; p.183-5.
- 9-Browne EG. Arabian Medicine. Cambridge: Cambridge University Press; 1921, Persian Translation: Rajabnia M, 4th ed, Tehran Scientific and Cultural Company Publications, 1986; p.88-92.
- 10-Pirmia H, Eghbal-Ashtiani A. History of Persia, 2nd ed, Tehran: Arvand Publicatins, 2010; 401-2.
- 11-Moein M. Persian Dictionary, 9th ed , Tehran:Amirkabir Publications, 1996; p.1195.
- 12-Ullman M. Islamic Medicine, Edinburgh (UK):Edinburgh University Press, 1978; p.43-4.
- 13-Ashoor A. Muslim Medical Scholars and Their Works. Islamic World Medical Journal, 1984 Jan;1:49-50.

Ali ibn Abbas al-Majusi Ahvazi ArjaniAhmadzadeh A^{1*}, Ahmadzadeh A²

1-Professor of Pediatrics

2-Assistant professor of Obstetrics and Gynecology.

1-Department of Pediatrics, Nephrology division.

2-Department of Obstetrics and Gynecology. School of Medicine, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran

*Corresponding author:

Department of Pediatrics,
Nephrology division, Golestan
hospital, Golestan Blv., Ahvaz, Iran.
Tel:09161112841
Email: ahmadzadali@yahoo.com**Abstract**

Ali ibn Abbas al-Majusi Ahvazi Arjani, known in Europe by his latinized name, Haly Abbas or Ali Abas, was born in Ahvaz or Arjan (Behbahan), located in the Southwestern Iran, in 930 AD. Al-Majusi is best known for his Kitab Kamil as-Sina'a at-Tibbiyya ("Complete Book of the Medical Art", in Latin "Liber Regius"). The book was not only entirely based on the work of others, but also al-Majusi included his own observations. He dedicated this book to King Adhud al-Dawlah Dilami (died in 983 AD). Al-Majusi served as court physician and worked in the Adhudi hospital in Baghdad. The Maliki is divided into 20 discourses, of which the first ten deal with theory and the second ten with the practice of medicine, such as surgery. It also contains many ethical parameters. Accordingly, it was the textbook on medicine for several centuries after the book was translated into Latin, and it was widely used not only in Persia and Arabic countries, but also in many parts of Europe. He died in Baghdad or Shiraz in 994 AD.

*Sci Med J 2011; 10(2):121-129***Keyword:** Islamic medicine, Ahvazi, al-Maliki, Iran, Arjan.

Received: Feb 13, 2011

Revised: Feb 21, 2011

Accepted: Mar 1, 2011